

مفهوم‌شناسی دروغ از نگاه اندیشمندان مسلمان و غربی

(گفتگو با دکتر علی‌اکبر تیموری)

**The concept of lying from the point of view of Muslim and Western thinkers (Interview with Dr. Ali Akbar Teimoorie)**

Majid Jafarian (Ph.D, of Religious Studies, Qom University of Religions and Denominations)

Ali Akbar Teimoori Friedeni (Ph.D. of Islamic Ethics, Qom University of Education)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مفهوم‌شناسی دروغ از نگاه اندیشمندان مسلمان و غربی (گفتگو با دکتر علی اکبر تیموری)

مجید جعفریان\*، علی اکبر تیموری فریدنی\*\*

### چکیده

بی‌تردید، دروغ از مهم‌ترین رذائل اخلاقی است و در مقابل آن صداقت و راستی قرار دارد. همواره، هم در جهان شرق و هم در جهان غرب، اندیشمندان بسیاری (اعم از ایدئولوژیست‌های دینی و غیردینی) صداقت را یک حقیقت انسانی برشمرده، از آن دفاع کرده و در نصایح و لطائف اخلاقی، پیروان خود را از دروغ برحذر داشته‌اند. با این حال، پژوهش‌های گسترده‌ای با رویکردهای مختلف دینی، فلسفی و معرفت‌شناختی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی درباره مفهوم‌شناسی دروغ انجام و استدلال‌های متعددی برای آن ارائه شده است. آنچه در این گفتگو درباره آن سخن می‌رود، مفهوم‌شناسی دروغ از نگاه اندیشمندان غربی و اسلامی و اثبات همخوانی هر دو نگاه درباره این مفهوم است. این گفتگو با رویکردی مقایسه‌ای نشان می‌دهد با تحولی که در قرن بیستم در معنی دروغ ایجاد شده است، هم غربی‌ها

\* دکتری دین‌پژوهی (جامعه‌شناسی دین)، دانشگاه ادیان و مذاهب قم.

\*\* دکتری اخلاق اسلامی دانشگاه معارف قم.

Majidjafarian1357@yahoo.com

aateymoti@gmail.com

تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۷/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۳



و هم اندیشمندان اسلامی، قصد فریب را در معنی دروغ دخیل ندانسته‌اند. غربی‌ها برای اثبات مدعای خود به واژه اظهار کردن و اندیشمندان اسلامی به واژه اخبار/ گزارش دادن استناد کرده‌اند. وجه مشترک دو دیدگاه این است که هر دو واژه و تبیین ارتباط معناشناختی آن‌ها با دروغ، مفاهیم شوخی، لطیفه، طنز و تئاتر را به خوبی از گستره معنایی دروغ خارج می‌کنند.

### کلیدواژه‌ها

مفهوم‌شناسی، دروغ، قصد فریب، صداقت، شوخی.

• از فصلنامه اخلاق خدمتتان رسیده‌ایم. ضمن عرض سلام و تشکر از فرصتی که در اختیار بنده قرار دادید، در ابتدا، سابقه تحصیلی و زمینه فعالیت‌های علمی خود را بیان بفرمایید.

- بنده هم خدمت شما و همکاران محترم فصلنامه اخلاق سلام و عرض ادب و احترام دارم. علی‌اکبر تیموری فریدنی، دانش‌آموخته دکتری اخلاق اسلامی دانشگاه معارف اسلامی قم هستم. حوزه تخصصی پژوهشی بنده بیشتر اخلاق اسلامی است و به طور خاص در چند سال اخیر به واسطه پژوهشی که به سفارش میز اخلاق دفتر تبلیغات اسلامی انجام داده‌ام، به طور جدی درباره مبحث دروغ و مفهوم‌شناسی آن کار کرده‌ام. همچنین، در همین حوزه کتابی در دست تدوین دارم که در آن به مأخذشناسی و تدوین گزارش مروری درباره مفهوم‌شناسی، حکم‌شناسی و مصداق‌یابی دروغ و راستی پرداخته‌ام.

• موضوع این گفتگو مفهوم‌شناسی دروغ است. امیدوارم مباحثی که در این گفتگو مطرح می‌شود پیش‌درآمدی باشد بر مقالات شماره اخیر فصلنامه اخلاق که با عنوان «ویژه‌نامه صداقت» و به سفارش میز اخلاق دفتر تبلیغات اسلامی توسط





برخی از مؤلفان تدوین شده و قرار است به زودی منتشر شود. به نظر می‌رسد بحث دربارهٔ ضرورت پرداختن به مفهوم‌شناسی دروغ بر مفهوم‌شناسی دروغ مقدم است. لذا پیش از آنکه به دیدگاه اندیشمندان غربی و مسلمان در این باره بپردازیم و از نتایج پژوهش‌های شما استفاده کنیم، بفرمایید چه ضرورتی برای پرداختن به مسئله دروغ در ادبیات اخلاقی اندیشمندان مسلمان و غربی وجود دارد؟

- بنده هم امیدوارم مجموع مباحث ما در این گفتگو راهگشای خوبی برای خوانندگان فصلنامه باشد. همان‌طور که شما هم فرمودید ضرورت مفهوم‌شناسی دروغ بر خود مفهوم‌شناسی دروغ مقدم است؛ چون طرح ضرورت می‌تواند پژوهشگر را از نظر کاربردی با ابعاد گسترده‌تر این مفهوم در عرصه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی و حتی سیاسی، آشنا کند. با این حال، ضرورت مفهوم‌شناسی دروغ از دو جنبه قابل تأمل است: نخست، از جنبهٔ نظری؛ به این معنا که شناخت کافی از این حوزه می‌تواند پشتوانهٔ علمی و مناسبی برای دیگر پژوهش‌ها باشد. دوم، از جنبهٔ عملی که بیشتر به شناخت ماهیت دروغ مربوط است. شناخت بهتر دربارهٔ ماهیت دروغ، از شیوع و گسترش دروغ‌هایی که از ابهام در مفهوم‌شناسی دروغ برآمده است جلوگیری می‌کند؛ برای مثال، مفاهیمی مانند دروغ مصلحت‌آمیز، توریه، تقیه، تعارفات و... در دروغ بودن یا دروغ نبودن سردرگم‌اند و نه تنها بسیاری از افراد جامعه درک درستی از ماهیت آن‌ها ندارند، بلکه در میان اندیشمندان نیز در این باره اختلافاتی دیده می‌شود که پژوهشی مناسب و خاص را می‌طلبد.

• اینکه دروغ به چه معناست و چگونه از نظر اندیشمندان اسلامی و غربی مفهوم‌سازی شده یا می‌شود محل بحث است. تصور اولیه این است که نباید تفاوت جدی معنایی بین تعریفی که دو نگاه از این مفهوم ارائه کرده‌اند، وجود داشته باشد و بیشتر تفاوت‌ها احتمالاً در حوزهٔ کاربرد کلام و سخنی است که فرد از آن استفاده می‌کند. شما در پژوهشی که با عنوان «مفهوم‌شناسی و چیستی دروغ» انجام داده‌اید،



به طور جدی به این مسئله پرداخته و تفاوت این دو نگاه را بررسی کرده‌اید. در ابتدا، به طور کلی بفرمایید دروغ در جهان معنای ذهنی پیشینی یا همان کلاسیک غربی‌ها به چه معنا بوده است؟

- تعریف کلاسیک از دروغ در دنیای غرب، متشکل از سه مؤلفه است. در دوران کلاسیک، غربی‌ها سخن یا جمله‌ای را دروغ تلقی می‌کردند که اولاً خطایی گفته شود، ثانیاً گوینده از خطاب‌بودن جمله مطلع باشد و ثالثاً، گوینده قصد فریب‌دادن مخاطب را داشته باشد. این تعریف در گذشته و امروز طرفداران فراوانی داشته و دارد.

• آیا نقدی هم بر مؤلفه‌های دروغ در معنای کلاسیک آن وجود دارد؟

- بله، نقد که به طور جدی وجود دارد. در دو شرط اول این تعریف اختلافاتی وجود دارد، اما به نظر من این دو شرط جزء مؤلفه‌های دروغ به حساب می‌آیند. بیشتر فیلسوفان غربی معتقدند در دروغ، جمله بیان‌شده باید خطا باشد و اگر سخنی راست کسی را بفریبید، به آن فریب می‌گویند نه دروغ. افزون‌براین، گوینده باید از خطاب‌بودن جمله مطلع باشد؛ چراکه اگر از خطاب‌بودن سخن خود آگاه نباشد، حتی اگر باعث گمراهی دیگران هم بشود، به او دروغگو نمی‌گویند. بنابراین، مشکل و نقد بیشتر درباره مؤلفه سوم یعنی قصد فریب است.

• استدلال کسانی که با آوردن این قید موافق هستند، چیست؟

- علت اینکه شرط سوم در نظریه‌های کلاسیک لحاظ شد این بود که شوخی و لطیفه از ذیل تعریف دروغ خارج شود؛ چون در شوخی قصد فریب وجود ندارد. البته برخی شرط سوم را با توجه به کارکردهای ذهنی فرد دروغگو لحاظ کرده‌اند. اینکه دروغگویان کندتر از راست‌گویان پاسخ می‌دهند، شاهدهی بر وجود قصد فریب در دروغ است؛ چراکه اگر افراد، به طور شهودی یا ذاتی، صادقانه پاسخ دهند به تفکر نیاز ندارند، اما وقتی شخص هنگام پاسخگویی تأمل می‌کند، به احتمال قوی تصمیم به فریفتن مخاطب گرفته و دروغ می‌گوید.



• استدلال کسانی که مؤلفه قصد فریب را در تکمیل معنای دروغ ضروری

نمی‌دانند، چیست؟

- کسانی که موافق آوردن این قید در معنای دروغ نیستند تلاش می‌کنند با تمسک به مثال‌هایی نشان دهند در بعضی از دروغ‌ها، گوینده قصد فریب ندارد، درحالی که دروغ درباره آنان صادق است؛ برای مثال، کودکان تا دو سالگی فهمی از قصد فریب ندارند. همچنین، کسانی که به بیماری دروغ‌گویی مبتلا هستند<sup>۱</sup>، قصد فریفتن مخاطب را ندارند. فردی را تصور کنید که از ترس جان در دادگاه حاضر می‌شود و شهادت دروغ می‌دهد. در این مورد، او نه تنها قصد فریب دادن دادگاه را ندارد، بلکه آرزو می‌کند دادگاه فریب او را نخورد و حرف او را باور نکند. همچنین، تصور کنید کسی در زمان حیات خود دچار تخلفات مالی فراوانی شده و شاهدی را قسم داده که چیزی در این باره نگویید. بعد از مرگ او، شواهد انکارناپذیری مبنی بر مجرم‌بودن او یافته می‌شود و در دادگاه از شاهد پرسیده می‌شود که آیا از جرم‌های آن فرد در زمان حیاتش مطلع بوده یا خیر؟ شاهد به دروغ اظهار می‌کند که از این تخلفات مطلع نبوده است، اما هدف او قصد فریفتن دادگاه نیست، بلکه برای پایبندی به قسم خود اظهار بی‌خبری می‌کند. در این دو مورد نیز قصد فریب وجود ندارد، اما دروغ صادق است. در مثال دیگر، دادگاهی را در نظر بگیرید که قضات آن حقیقت ماجرا را از طریق ویدئو فهمیده‌اند، اما شاهد باز هم دروغ می‌گوید. در این مورد، شاهد می‌داند که نمی‌تواند قضات را فریب دهد و قصد فریب منتفی است، ولی باز هم شهادت دروغ می‌دهد. دانش‌آموزانی را تصور کنید که مرتکب تقلب شده‌اند، آنان از سویی می‌دانند که اگر اعتراف نکنند تنبیه نمی‌شوند و از سوی دیگر، می‌دانند که ناظم مدرسه بر تقلب آنان آگاه است و نمی‌توانند او را فریب دهند. دروغ این

۱. منظور کسانی است که هدفشان فقط گفتن جمله خطایی است، حتی اگر سخانشان هیچ باور غلطی ایجاد نکند.



دانش آموزان نه برای فریب دادن، بلکه برای گریز از تنبیه است. نتیجه اینکه اگر چه قصد فریب در بسیاری از دروغ‌ها وجود دارد، شرط ضروری دروغ نیست.

● مسئله دیگری که در مطالعات شخصی به آن رسیدم مباحث مربوط به گفتن یا نگفتن حقیقت به دیگری و ارتباط آن با دروغ است. جایی می‌خواندم که کانت دروغ را حتی به نیت کتمان حقیقت برای حفظ جان دیگری نیز جایز نمی‌شمرد؛ چون او دروغ را مطلقاً ممنوع می‌دانست. نظر اندیشمندان غربی در توجیه این نگاه و نظریه کانت چیست؟

- کسانی که مانند کانت، دروغ‌گویی را مطلقاً ممنوع می‌دانند، کوشش می‌کنند تعریف بسیار محدودی از دروغ ارائه دهند تا مثال‌های نقضی که در مقابل دارند توجیه شود. در نقض دیدگاه کانت این مثال را زده‌اند که قاتلی خطرناک در جستجوی کسی است و از شما مکان اختفای او را می‌پرسد. بی‌شک در این صورت دروغ گفتن برای حفظ جان دیگری جایز است و می‌توان قاتل را گمراه کرد، اما کانت مخالف بوده و معتقد است حتی در این صورت هم نباید دروغ گفت. شماری از پیروان کانت برای اینکه حکم خلاف بداهت کانت را توجیه کنند، تعریفی از دروغ ارائه داده‌اند تا این مورد را از ذیل دروغ خارج کنند. مطابق دیدگاه آنان مؤلفه‌های دروغ از این قرار است که جمله خطایی مطرح شود، گوینده به خطا بودن آن جمله باور داشته باشد، گوینده قصد فریب دادن مخاطب را داشته باشد و در نهایت، مخاطب حق دانستن حقیقت مورد بحث را داشته باشد. مطابق این تعریف، در مثال یادشده، قاتل حق دانستن محل قربانی را ندارد. در نتیجه، خلاف حقیقت گفتن در این مثال، دروغ نیست.

● به نظر می‌رسد این تعریف از جنبه‌های دیگری هم اشکال دارد؛ چون حقیقت یک امر ذاتی است، البته در دیدگاه معرفت‌شناختی غیر کانتی. اگر حقیقت را یک امر ذاتی بدانیم، گفتن حقیقت یک امر عرضی است؛ یعنی با توجه به شرایطی که

وجود دارد و مخاطب آن را حس می کند، گفتن حقیقت به او اتفاق می افتد نه اینکه شرایط فدای ذاتیت چیزی بشود و باعث شود شرایط را به طور کلی فراموش کنید. به تعبیر دیگر، آنچه اصالت دارد گفتن حقیقت به دیگری است، نه گفتن حقیقت به هر کسی.

- این توضیح شما کاملاً درست است. البته من توضیح شما را این گونه کامل می کنم که اگر بپذیریم حقیقت را در هر شرایطی باید به دیگری گفت، در هر موقعیتی باید پرسیم آیا فلان شخص حق دانستن حقیقت را دارد یا خیر؟ همچنین، نمی توانیم بر دروغ بودن هیچ جمله ای حکم کنیم، مگر آنکه بدانیم آیا مخاطب حق شنیدن حقیقت را داشته یا خیر؟ به علاوه، این تعریف باز هم مشکل ممنوعیت مطلق دروغ را بر طرف نمی کند؛ تصور کنید کسی جراحی قلب انجام داده و به توصیه پزشکان به هیچ وجه نباید دچار اضطراب شود. از قضا، تنها فرزند او در تصادف کشته می شود. بیمار، بعد از جراحی، سراغ فرزند خود را می گیرد و علت اینکه وی به ملاقاتش نیامده است را جویا می شود. در اینجا، به طور قطع برای نجات جان پدر دروغ گفتن جایز است، اما شرط چهارم پیروان کانت نمی تواند این مورد را از دایره دروغ خارج کند؛ چراکه پدر حق دارد از سرنوشت تنها فرزند خود مطلع شود.

● عده ای مثل دیویدسون در تعریف دروغ، رویکرد جدیدی دارند و فارغ از مباحثی که در حوزه کلاسیک درباره دروغ گفته شده، در مفهوم سازی آن، دروغ را نوعی اظهار و اعلام دانسته اند. منظور دیویدسون از اظهار و اعلام چیست؟

- دیویدسون در مقاله ای با عنوان «فریب و تقسیم بندی»

(Deception and division) به یکی از اقسام فریب یعنی «خودفریبی» پرداخته و به تعریف دروغ نیز اشاره کرده است. او معتقد است دروغ نوعی اظهار و اعلام است و





برای آن دو شرط برشمرده است؛ یکی اینکه گوینده قصد کند خود را به چیزی باورمند نشان دهد که بدان باور ندارد. دوم اینکه گوینده قصد کند مقصود خود را از شنوندگان مخفی نگه دارد. مطابق نظر دیویدسون، «اظهار کردن» همچون سؤال کردن، دارای قوت و قدرتی است که ما آن را به سخنانمان نسبت می‌دهیم؛ به عبارت دیگر، اظهار کردن فقط گفتن یک جمله طبق قواعد دستوری نیست، بلکه قصد این است که شنوندگان جمله را به نحو خاصی درک کنند؛ یعنی گوینده به شنوندگان وانمود می‌کند که جمله گفته شده صحیح است.

• آیا اندیشمندان دیگر نظریه دیویدسون را بسط داده و از آن پیروی کرده‌اند؟

- بله کارسون، فالیس و استوک - البته با تفاوت‌هایی که در ادامه عرض می‌کنم - مروج نگاه دیویدسون بوده‌اند. در واقع، نظریه دیویدسون هم پایه و اساس دیدگاه‌های جدید درباره‌ی تعریف دروغ شده و هم محل اختلاف نظرهای گوناگونی قرار گرفته است؛ برای مثال، از نظر چیشولم و فهن اظهار کردن چیزی، به باور ما وابسته است. به طور مشخص، شما زمانی چیزی را اظهار می‌کنید که چیزی بگویید و باور داشته باشید که در موقعیتی هستید که شنوندگان درباره‌ی دو امر توجیه می‌شوند؛ اینکه شما به آنچه می‌گویید باور دارید و شما قصد دارید دیگران باور کنند که شما محتوای سخن خود را باور دارید. بنابراین، تعریف آن‌ها بر این استدلال بنا شده است که اگر جمله  $x$  را به  $p$  بگوییم و معتقد باشیم که با گفتن  $x$  به  $p$  باور می‌کند که ما به  $x$  معتقدیم و باز معتقد باشیم که با گفتن  $x$  به  $p$  باور می‌کند که ما قصد داریم  $p$  باور کند که ما به  $x$  معتقدیم و اعتقاد داشته باشیم که  $x$  خطاست، بی‌تردید این جمله دروغ است.

در اینجا آنچه باید به طور خاص به آن توجه داشته باشیم این است که طبق این تعریف، دروغ تنها زمانی صادق است که ما موفق شویم مخاطب را فریب دهیم و او



سخن ما را باور کند. این تعریف، تئاتر و لطیفه را از ذیل دروغ خارج می‌کند؛ چراکه در این موارد گوینده باور ندارد که شنوندگان باور دارند که او به محتوای سخنش باور دارد؛ اگرچه اشکالاتی هم به این تعریف وارد است.

اندیشمند دیگر، توماس کارسون است که بر مبنای نظریه دیویدسون معتقد است جمله‌ای دروغ است که این سه خصوصیت را داشته باشد: جمله خطایی گفته شود، گوینده به خطابودن جمله باور داشته باشد و بیان جمله در بافت و قالبی باشد که گوینده صدق آن را تضمین کند. چنین جمله‌ای بی‌تردید دروغ است. در اینجا رکن اصلی تعریف کارسون «ضمانت صدق» است. در جملات معمولی ضمانت صدق وجود دارد؛ به همین دلیل، این جملات شنونده را به اعتماد و پذیرش سخن دعوت می‌کنند. دعوت مخاطب به اعتماد بر سخن، به این معناست که گوینده صدق محتوای جمله را تضمین می‌کند. البته ضمانت صدق همیشه صریح نیست، بلکه گاهی ضمانت صدق را به‌طور ضمنی در سخن می‌یابیم. بنابر نظر کارسون، ضمانت صدق جمله به قصد و باور فرد وابسته است، نه به واقعیت. در این صورت، درباره شوخی، اگر فرد باور داشته باشد که در موقعیت شوخی است، کلامش دروغ نیست؛ در نتیجه ضمانت صدق واقعی ملاک نیست، بلکه باید این را در نظر بگیریم که گوینده معتقد است ضمانت صدق وجود دارد یا خیر؟

دن فالیس، اندیشمند دیگری است که مدافع نظریه دیویدسون است. او با رد تعریف کارسون، تعریف جدیدی از دروغ - البته بر مبنای دیدگاه دیویدسون - ارائه کرده است. فالیس دروغ را «اظهار سخنی که به کذب آن باور داریم» تعریف می‌کند. در اینجا، لازم است به معنی «اظهار کردن» دقت کنیم. فالیس در توضیح این واژه از اصل کیفیت اولیه پائول گریس (Paul Grice) (آنچه به خطابودن آن باور داری به زبان نیاور) به‌منزله یک تُرم گفتگو کمک می‌گیرد. نرم‌های اجتماعی یا همان هنجارها به گونه‌ای هستند که معمولاً افراد آن‌ها را رعایت می‌کنند و توقع



دارند دیگران نیز آن‌ها را رعایت کنند. به طور مشخص هنجار «چیزی را که به خطا بودنش باور داری به زبان نیاور»، در هر گفتگوی عادی در جریان است و ما از این حقیقت مطلع هستیم. در نتیجه، از نظر فالیس «اظهار کردن» یعنی شما جمله‌ای را بگویید و باور داشته باشید در موقعیتی هستید که نباید آنچه غلط است به زبان آورید؛ به عبارت دیگر، شما تنها زمانی دروغگو هستید که چیزی را بگویید که بدان باور ندارید و بدانید که نرم گفتگو (نگفتن چیزی که بدان باور نداریم) در جریان است. با این توضیحات، فالیس دروغ را این گونه تعریف می‌کند: جمله  $X$  را بگویم و باور داشته باشم که این جمله را در حالی می‌گویم که اصل اولی محاوره در جریان است (جمله‌ای را که به خطا بودن آن باور داری، ابراز نکن). در نهایت، باور داشته باشم که جمله  $X$  خطاست.

آندراس استوک، آخرین تعریف را از دروغ با تأکید بر واژه «اظهار کردن» ارائه کرده است. براساس تعریف او، فرد تنها زمانی دروغگوست که جمله‌ای را بگوید که بدان باور ندارد و پیشنهاد بدهد که این جمله به باورهای عمومی (common ground) اضافه شود. اینکه پیشنهاد دهیم گزاره الف به باور عمومی اضافه شود، به این معناست که همه افرادی که مخاطب گفتگو هستند آن گزاره را بپذیرند. بنابراین، شما قصد نکردید که همه مخاطبان صدق گزاره الف را حقیقتاً باور کنند، بلکه تنها امید دارید که صدق گزاره الف را مفروض بگیرند. با این توضیحات، تعریف استوک از دروغ چنین است:  $S$  جمله  $P$  را به  $X$  بگوید.  $S$  پیشنهاد بدهد که  $P$  به باوری مشترک تبدیل شود.  $S$  باور داشته باشد که  $P$  خطاست.

• آیا امروزه این تعاریف، ما را به یک تعریف نهایی از دروغ در میان اندیشمندان غربی می‌رساند؟

- بله، تقریباً این تعاریف و به‌ویژه تعریفی که دیویدسون با رویکرد جدیدش ارائه کرده است، بسیار مهم و پرکاربرد است. البته تعاریف فالیس و استوک (با الهام





از همان نظریه دیویدسون) آخرین تعاریف ارائه شده از دروغ در غرب محسوب می شوند. استفاده از واژه «اظهار کردن»، نقطه قوت این دو تعریف محسوب می شود، اما تبیین این واژه در این دو تعریف به کاوش بیشتری نیاز دارد.

● دروغ از نگاه اندیشمندان مسلمان چه تعریف و محدوده معنایی دارد؟

- تمام تعاریف ارائه شده از دروغ در دنیای اسلام را می توان در سه دسته خلاصه کرد: اول اینکه بعضی دروغ را گزارش خلاف واقع معنی کرده اند؛ دسته ای دیگر در تعریف دروغ گفته اند که دروغ، گزارشی خلاف واقع با علم به آن است و دسته سوم دروغ را گزارشی می دانند که خلاف عقیده انسانی است. در هر سه تعریف، واژه «گزارش دادن» لحاظ شده است. به نظر بنده از میان این تعاریف، تعریف اول پذیرفتنی نیست؛ چون فردی که از روی غفلت سخن خطایی گفته باشد، در عرف به او دروغگو نمی گویند. بنابراین، تعریف دروغ را در موارد دوم و سوم جستجو می کنیم.

● آیا تعاریف آن‌ها از دروغ شباهتی به نگاه و رویکرد غربی‌ها به این مفهوم دارد یا در یک بافت و شبکه معنایی دیگری دروغ را مفهوم سازی کرده اند؟  
- بله، قطعاً این رابطه معنایی، هم از نظر معرفت شناختی و هم از نظر زبان شناختی، بین اندیشمندان ما و غربی‌ها وجود دارد؛ در واقع، تعاریف آن‌ها قرابت زیادی با تعریف دروغ مبتنی بر اظهار کردن دارد. واژه‌هایی چون اعلام، اخبار، افهام، ارشاد غیر و... این قرابت معنایی را نشان می دهند.

● یعنی این مفاهیم را چیزی معادل اظهار کردن گرفته اند؟

- بله، به نظر بنده اظهار کردن که در ذهنیت غربی برای تعریف دروغ وجود دارد، همان اخبار و گزارشی است که اندیشمندان مسلمان برای تعریف این مفهوم ارائه کرده اند. به طور کلی در ذهن اندیشمندان اسلامی جملات - اعم از خبری و انشایی - برای ابراز دعاوی و ادعاهای نفسانی وضع شده است. من جمله ای را به نقل

از آیت‌الله خوینی نقل می‌کنم تا مسئله روشن شود. ایشان در کتاب «مصباح الفقاهه» (۱۴۱۷ق، ج ۱: ص ۳۹۷ - ۳۹۸) می‌فرماید: هیئت نوعیه جمله‌های خبریه و انشاییه برای ابراز صور ذهنی و دعاوی نفسانی یا مقصود درونی یا هر چه می‌خواهی از آن تعبیر کنی، وضع شده است. واضح [هر کس که می‌خواهد باشد]، متعهد شده [و بقیه از او تبعیت کرده‌اند] که هرگاه اراده کرد که چیزی از دعاوی نفسانی و مقصود خود را ابراز کند از گفتاری که مشتمل بر هیئتی خاص است و با آن مقصود خود را ادا می‌کنند، استفاده کند. این مرحله، یعنی ابراز مقاصد نفسانی با استفاده از جمله، میان جملات خبریه و انشاییه مشترک است.

● پس میان آنچه در واقعیت بیرونی اتفاق افتاده و آنچه فرد درباره آن ادعا کرده و با نگاه نفس‌الامری خود یا همان مقصد نفسانی‌اش این واقعیت را بر آن منطبق کرده است، ارتباط تنگناگی وجود دارد و این رابطه است که امکان تحقق دروغ را درباره یک کلام ایجاد می‌کند.

- بله، این دقیقاً همان نتیجه‌ای است که در تحلیل واقعیت و قصد نفسانی به تعبیر مرحوم خوینی می‌توان گرفت. ایشان در این باره می‌گوید: دعاوی و مقاصد نفسانی به دو صورت است: اول اینکه مقاصد نفسانی، امر اعتباری محض و قائم به نفس معتبر است؛ به این معنا که فرد امری را در ذهن خود اعتبار کرده و سپس با به کار بردن لفظی از آن حکایت می‌کند که این جمله انشائی خوانده می‌شود و به صدق و کذب متصف نمی‌شود. دوم اینکه جمله ما حاکی از امر دیگری باشد، حال چه محکی از قضایای خارجی باشد، مثل قیام زید در خارج و چه از اوصاف نفسانی باشد، مثل علم و شجاعت و.... در این صورت اگر حکایت مطابق با واقع محکی باشد، صادق و اگر مخالف با واقع محکی باشد، کاذب است. بدین ترتیب، روشن می‌شود که «گزارش دادن» غیر از «گفتن» است. در دروغ شخص فقط سخن نمی‌گوید، بلکه علاوه بر آن، با استفاده از هیئتی که حکایت از امر دیگری دارد، به ابراز دعاوی و





مقاصد نفسانی و اراده‌ افهام معنای مستعمل می‌پردازد. به قول تهبانوی، در دروغ از هیئت (جملات خبریه) استفاده می‌شود که به وقوع امری در خارج اشعار دارد؛ به همین دلیل است که نزد عقلا احتمال مطابقت و عدم مطابقت آن وجود دارد. در اینجا منظور از خارج، امری واقعی و عینی در خارج نیست، بلکه مراد امری خارج از حاکی است؛ چه خارج، واقعی باشد و چه نفس الامر اراده شود. این برخلاف نسبت‌های انشایی است که در آن حکایتی وجود ندارد و گوینده مثلاً طلب وجود نسبت یا عدمش را دارد یا حسرت از دست رفتن آن را می‌خورد.

• یکی از اخبار و گزارش‌هایی که اتفاقاً امروزه باب شده، رویدادهای خنده‌داری است که کم‌دین‌ها با عنوان «استندآپ کم‌دی» برای خندانیدن مردم در رسانه ملی به شوخی روایت می‌کنند. شاید یا به‌طور قطع، این رویداد خنده‌دار واقعیت خارجی ندارد و همه مردم هم می‌دانند که صرفاً به نیت شوخی و خندانیدن آن‌ها بیان می‌شود. آیا این‌ها از نگاه اسلامی در زمره سخن یا کلام دروغ قرار دارند؟

- همان‌طور که پیش از این عرض کردم، در اندیشه غربی قید «قصد فریب» برای خروج شوخی از ذیل تعریف دروغ لحاظ شد، اما در تعریفی که فقها از دروغ ارائه داده‌اند، به‌طور کلی، واژه اخبار یا گزارش دادن شامل شوخی نمی‌شود. در واقع، کلام شوخی یا همان هزل به دو صورت است: صورت اول اینکه گاهی فرد از واقع خبر می‌دهد، اما این اخبار جدی نیست، بلکه گوینده قصد مزاح دارد. در این صورت چون کلام او مطابق واقع نیست، او کاذب است و نیت مزاح، جمله را از کذب بودن خارج نمی‌کند؛ چراکه تعریف کذب شامل این صورت هم می‌شود. صورت دوم جایی است که اخبار از واقع نیست و هیچ‌گونه قصد حکایتی وجود ندارد؛ به این معنا که متکلم انشای بعضی از معانی را به قصد مزاح انجام می‌دهد. در این مورد مخاطب نیز در پی صدق و کذب سخن نیست. فقها، شوخی نوع اول را که در اصطلاح به آن کذب در مقام هزل می‌گویند، حرام می‌دانند و روایاتی که کذب

حتی به شوخی را ممنوع می‌دانند، بر این صورت حمل می‌کنند که در آن، کلام از روی جدیت اما با هدف هزل گفته شود. اما صورت دوم را که اخباری در آن وجود ندارد و کلام فاقد قصد تحقق مدلولش است؛ از تعریف کذب خارج و در نتیجه آن را جائز می‌دانند، همان‌طور که سیره متشرعه نیز این جواز را تأیید می‌کند.

• یعنی در این تحلیل‌ها در نظر گرفتن یا بسط قید یا مؤلفه قصد فریب اصلاً

ضرورت ندارد؟

- به نظر بنده با توجه به اینکه در اندیشه اسلامی از واژه‌هایی چون اخبار و گزارش دادن استفاده می‌شود، به در نظر گرفتن «قصد فریب» برای این واژه‌ها در تعریف دروغ نیازی نیست؛ چون قصد فریب در جایی مطرح می‌شود که از واژه «گفتن» (نه اخبار) استفاده شود.

• آیا میان سخن خلاف واقع و سخن خلاف عقیده - از این نظر که کدام دروغ

قلمداد می‌شود - هم می‌توان تفاوتی از نگاه اندیشمندان اسلامی و غربی قائل شد؟

- بهتر است سؤال شما را به‌طور مبنایی پاسخ دهم تا هر دو دیدگاه غربی و اسلامی درباره این موضوع روشن شود. برای این مسئله چهار حالت می‌توان تصور کرد: حالت اول این است که سخن گفته‌شده مطابق واقع (نسبت خارجی) و مطابق عقیده (نسبت ذهنی) باشد. در این صورت، طبق تعریف غربی و اسلامی، شخص صادق است. حالت دوم این است که سخن گفته‌شده، مخالف واقع و مخالف عقیده باشد. در این صورت، شخص مطابق تعریف غربی و اسلامی کاذب است. حالت سوم این است که سخن گفته‌شده مخالف واقع و مطابق عقیده باشد؛ برای مثال، شخص، امری را به زبان بیاورد که در واقع خطاست اما او به صدق آن معتقد است. این فرد، مطابق تعریف غربی، دروغگو نیست؛ زیرا از نظر آنان لازم است فرد به خطابودن جمله باور داشته باشد، اما در اندیشه اسلامی در دروغگو بودن این فرد اختلاف وجود دارد. حالت چهارم این است که سخن گفته‌شده مطابق واقع و



مخالف عقیده باشد؛ برای مثال، منافقان به نبوت پیامبر شهادت دادند، اما از آن رو که به محتوای سخنان عقیده نداشتند، خداوند آنان را از دروغگویان برمی‌شمرد (منافقون: ۱). براساس تعریف غربی به این صورت نیز دروغ اطلاق نمی‌شود؛ چراکه این خبر مطابق واقع است.

در اندیشه اسلامی طبق تعریف اول (گزارش خلاف واقع) و دوم (گزارش خلاف واقع با علم به آن) نیز این صورت دروغ نیست، اما براساس تعریف سوم (گزارش خلاف عقیده) این مورد دروغ است. قائلان به تعریف سوم، تفکیک میان کذب خبری و مخبری را مطرح می‌کنند؛ در کذب خبری، خبر خلاف واقع است، اما در کذب مخبری، گوینده چیزی که اعتقاد ندارد به زبان می‌آورد. سخن خداوند در این آیه و درغگو خواندن منافقان نیز ناظر به کذب مخبری است. بدین ترتیب، در اندیشه غربی و طبق تعریف اول و دوم اندیشمندان اسلامی، کذب مخبری بدون کذب خبری وجود ندارد، اما براساس تعریف سوم اسلامی، کذب مخبری بدون کذب خبری پذیرفته شده است. در نتیجه، همین که شخص سخن خلاف عقیده‌اش را بگوید کاذب است و تنها مخالفت با عقیده ملاک تعیین صدق و کذب است.

● چه نتیجه‌ای برای شما در حوزه مفهوم‌شناسی دروغ از نگاه غربی و اسلامی حاصل شده است و وجه تفاوت کار شما با دیگران چیست؟

- نتیجه‌گیری خود را از مباحثی که مطرح شد، در قالب چند جمله بیان می‌کنم. نتیجه اول این است که غربی‌ها در سال‌های اخیر در تعاریفشان از دروغ، از واژه اظهار کردن استفاده کرده و دروغ را به‌طور خلاصه «اظهار آگاهانه امری خلاف واقع» تعریف کرده‌اند. دوم اینکه این تعریف قرابت زیادی با تعریف اندیشمندان مسلمان از دروغ (با تأکید بر واژه «اخبار/ گزارش دادن») دارد. منظور از اخبار، ابراز دعای نفسانی به وسیله هیئتی خاص است که حاکی از امر دیگری در خارج یا نفس





الامر است. سوم اینکه، صرف نظر از قیودی که از معنی دروغ یعنی «اظهار امری خلاف واقع با علم به آن» به کار رفته است، این تعریف مشابه تعریف اول از دروغ در دنیای اسلام است؛ یعنی همان اخبار آگاهانه از امری خلاف واقع. افزون‌براین، واژه اخبار در تعریف اول (اخبار خلاف واقع) و تعریف سوم (اخبار خلاف عقیده، چه خلاف واقع باشد چه نباشد) مشترک است. نتیجه آخر هم اینکه در تعریف اخیر غربیان از دروغ، برخلاف تعریف سه مؤلفه‌ای، قید «قصد فریب» وجود ندارد و تلاش می‌شود معنایی از اظهار کردن ارائه شود تا به این قید برای خارج کردن لطیفه، شوخی، تئاتر و... نیازی نباشد. با این حال، تفاوت کار بنده با بعضی از تحقیقات که قید قصد فریب را در تعریف دروغ لحاظ می‌کنند، این است که اثبات کرده‌ام که همین رویکرد که دروغ را به گونه‌ای معنا کنیم که به قید قصد فریب نیازی نباشد، نزد اندیشمندان مسلمان به‌ویژه فقهای شیعه مانند آیت‌الله خوئی نیز وجود داشته و آنان اخبار را به گونه‌ای (فارغ از قید قصد فریب) معنا کرده‌اند که شوخی، لطیفه، تئاتر و... را شامل نشود. بنابراین، ما از این نظر در تعریف دروغ با اندیشمندان غربی در یک مسیر قرار داریم.

● ضمن تشکر مجدد از حضور حضرت عالی در این گفتگو، در پایان لطفاً منابعی درباره این موضوع معرفی کنید تا خوانندگان برای مطالعه و تعمق بیشتر به آنها مراجعه کنند.

- از مهم‌ترین منابعی که در این حوزه وجود دارد و بنده هم در پژوهش خود از آنها استفاده کردم می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. اسلامی اردکانی، سید حسن (۱۳۸۲)، دروغ مصلحت‌آمیز؛ بحثی در مفهوم و گستره آن، قم: بوستان کتاب.

۲. تهانوی، محمدعلی (۱۹۹۶م)، موسوعه کشف اصطلاحات الفنون و العلوم،

بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.



۳. خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۷ق)، مصباح الفقاهه، تقریر میرزا محمدعلی توحیدی تبریزی، قم: انصاریان.

۴. مروجی، علی (۱۳۹۳)، تمهید المطالب فی شرح المکاسب، قم: بهمن آرا.

5. Carson, Thomas L (2010), *Lying and Deception Theory and Practice*, United States, New York: Oxford University Press Inc.

6. Chisholm, R. and Feehan, T (1977), "The intent to deceive", *Journal of Philosophy* 74: 143–159.

7. Fallis, Don (2009), "What is lying/ forthcoming", *journal of philosophy*, p:56-29.

8. \_\_\_\_\_ (2013), "Davidson was Almost Right About Lying", *Forthcoming Australasian Journal of Philosophy*.

9. Grice, P (1989), *Studies in the Way of Words*, Cambridge: Harvard University Press.

10. Mahon, James Edwin (2016), "The Definition of Lying and Deception", *The Stanford Encyclopedia of Philosoph*, <https://plato.stanford.edu/archives/win2016/entries/lying-definition>.

11. Stel, Marielle (2014), *Lying Intentionaly (in Encyclopedia of Deception)*, ED Timothy R. Levine, SAGE Publications, Inc.

12. Stokke, Andreas (2013), "Lying and Asserting", *Journal of Philosophy*, CX (1), 33–60.

